

مسائل فرهنگی جهان معاصر

در بررسی مسائل فرهنگی جهان معاصر، اغلب ما نظریه های فرهنگی را که با تحلیل های انتقادی در حوزه فرهنگ در جهان معاصر با چشم اندازهای گوناگون مطرح شده است و زمینه ادبیات متنوع و گسترده ای را فراهم کرده است؛ مورد بررسی قرار می دهیم. عوامل و انگیزه های مختلفی در این عصر برای مطالعات فرهنگی جهان معاصر مطرح شده و موثر می باشد که به شرح زیر به آنها اشاره می کنیم.

مکتب انتقادی فرانکفورت (نئوکلاسیک ها) :

در این مکتب حرف این است که یک عامل به نام فرهنگ نقش اساسی را به عهده دارد و آن را تا به حال نادیده گرفته ایم. این مکتب زمینه و بستر تحلیل های مختلف راجع به فرهنگ را بوجود آورده و بستر و زمینه تنوع فرهنگ را ایجاد کرده است.

۱. بحث مهاجرت های گسترده و ارتباطات بی سابقه فرهنگی، موجب افزایش تفاوت های موجود بین فرهنگ های مختلف گردیده است. در قرن ۲۱ فرهنگ عامل مهم در روابط اجتماعی است و زمینه مطالعات گسترده را ایجاد کرده که یکی از عوامل این گسترش، مهاجرت های گسترده است مهاجرت زمینه تبادل و تعامل فرهنگ های مختلف را فراهم می کند.

۲. در حوزه کشورهای غربی به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، با مقوله ای به نام صنعت فرهنگ روبرو هستیم که این صنعت فرهنگ آمیختگی زیادی بین فرهنگ و تجارت بوجود آورده و در این زمینه مطالعات فراوانی در حوزه نظریه های مکتب انتقادی صورت گرفته است. (جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ تمام شد). در دنیای امروز نوعی فرهنگ بوجود آمده که ما را وادار به مصرف کالا می کند. با توجه به اینکه صنعت فرهنگ بوجود آمده و با مسائل صنعتی و کار و تجارت عجین شده است بحث های مختلفی در زمینه صنعت فرهنگ ایجاد شده است.

۳. شبکه های ارتباطی به صورت گسترده در انتقال ایده ها و رفتارها و پیام، رسوم و عادات نقش بسیار برجسته ای دارد و این موضوع می طلبد که مسائل مختلف فرهنگی در جهان معاصر را در حوزه شبکه های اطلاع رسانی مورد مطالعه قرار دهیم.

۴. مطرح گردیدن بحث تکرر فرهنگ ها، بعنوان مثال ما امروز با مقوله ای به نام فرهنگ توده ای خرده فرهنگ های مختلف در سراسر جهان روبرو هستیم. همچنین فرهنگ های قومی گوناگونی در اقصا نقاط جغرافیایی جهان مطرح می شود، فرهنگ پست مدرن مطرح است، به عبارت دیگر حوزه مطالعات فرهنگی گستره بسیار وسیعی را شامل می شود.

۵. جهانی شدن ، برخی ها در مقابل جهانی شدن و جهانی سازی مقاومت می کنند . در بحث جهانی شدن ، فرهنگ های غالب ، فرهنگ های مغلوب را در خود هضم می کنند .

تعریف فرهنگ : با توجه به تعاریف بسیار گسترده ای که از فرهنگ ارائه شده است در زیر به ۳ مؤلفه که در تعریف فرهنگ حائز اهمیت است اشاره می شود .

۱. در یک تعریف کلی فرهنگ به معنای رشد فکری و معنوی انسان ها بیان شده است .
 ۲. در یک تعریف به معنی شیوه خاص زندگی مردم در یک دوره زمانی بیان گردیده است .
 ۳. فرهنگ بعنوان فرآورده های فعالیت های فکری و هنری یک جامعه تعریف می گردد .
- تعریف کاربردی در بررسی مسائل فرهنگی جهان معاصر تعریفی است که بر مبنای شیوه های خاص و عام زندگی مردم است .

شیوه زیست فرهنگی در بررسی مسائل فرهنگی از این جهت حائز اهمیت است که در شیوه زندگی برخی از مفاهیم بنیادی مثل رفاه ، فراغت ، سرگرمی ، لذت جویی و ... مطرح می شود . این تعریف از فرهنگ است که مسائل گوناگون و مختلفی را در حوزه زندگی اجتماعی و بین المللی بوجود آورده است . در واقع صنعت فرهنگ با همه حاشیه هایی که دارد در بررسی شیوه زیست فرهنگی افراد معنا پیدا می کند .

نظریه فرهنگی رابطه انسان با جهان هستی ، رابطه انسان با خود و رابطه انسان با غایت را مشخص می کند . به همین دلیل است که امروز ما هنجارهای فرهنگی را در ۲ بخش مورد مطالعه قرار می دهیم .

۱. هنجارهای آرمانی : این هنجارها در فرهنگ سنتی جایگاه بسیار ویژه ای دارند . ما این نوع هنجارها را همواره در کردارها و رفتارهای مردم در فرهنگ های مختلف می بینیم .
۲. هنجارهای رایج و آرمانی : این نوع هنجارها در حوزه صنعت فرهنگ به شکل کمی و عددی تعریف می شوند . این نوع هنجارها در فرهنگ توده ای به صورت گسترده در جهان معاصر یا در شیوه زیست فرهنگی قابل رؤیت است .

در ادبیات امروزی برخی فرهنگ توده ای مدرن را با معیارهای کمی ، تعریف و مورد بررسی قرار می دهند. در واقع در این تعریف فرآورده هایی را از نظر کمی و مقداری مورد توجه و نظر قرار می دهیم که در بستر علاقه قشر زیادی از افراد جامعه قرار می گیرد .

مثال : عده کثیری از مردان علاقمند ازدواج به همجنس خود هستند که این موضوع در فرهنگ آرمانی مورد قبول نمی باشد . عده کثیری علاقمند به صرف مشروبات الکلی هستند ، عده زیادی از خانم ها علاقمند به برداشتن حجاب هستند .

برخی از صاحب نظران فرهنگ توده ای را با ماهیت های اجتماعی آن قابل تعریف می دانند . این صاحب نظران به جنبه های مصرفی فرآورده های مختلف توجه دارند یا به عبارت دیگر ماهیت اجتماعی مصرف کنندگان را مورد نظر و ارزیابی قرار می دهند . یعنی اینکه مصرف کنندگان یک طبقه اجتماعی را تشکیل می دهند و بر اساس طبقات خود اقدام به مصرف فرآورده های مورد نظر در فرهنگ توده ای می نمایند . اغلب این صاحب نظران طبقات پایین اجتماعی را در این تقسیم بندی مورد توجه قرار می دهند .

مثال : تبلیغات یک کالای خاص برای ترغیب مردم به خرید آن . افرادی که با این تبلیغات ترغیت به خرید آن کالا شده و بدون تحقیق درباره کیفیت آن اقدام به خرید آن می کنند در یک طبقه اجتماعی هستند که معمولاً از طبقات پایین اجتماع می باشند .

برخی دیگر از نظریه پردازان در تعریف فرهنگ توده ای به جنبه های تولید ، توزیع و مصرف تأکید می کنند . آنها بر این عقیده هستند که فرهنگ توده ای ، فرهنگی است که زمینه تولید انبوه ، مصرف زیاد و توزیع را در یک جامعه فراهم می کند .

بطور خلاصه اگر فرهنگ توده ای را به طور کلی تعریف و تقسیم بندی نمائیم به ۳ تعریف کلی ذیل می رسیم :

۱. فرهنگ توده ای به معنای فرهنگی است که برای مردم تولید می شود .
(نظام سرمایه داری ، دولت ها و حکومت ها برای توده های مردم فرهنگ تولید می کنند ، مانند باورها و رفتاری که شرکت sony در مردم ایجاد و آنان را ترغیب به خرید محصولات خود میکند)
۲. فرهنگ توده ای به معنای فرهنگی است که از آن مردم است : (فرهنگ کرد ، بلوچ ، ترکمن ، لر ، فارس و ...) مجموعه هنجارها ، آداب ، رسوم و ... که در طول تاریخ آمده و در بستر فرهنگی مردم شکل گرفته است فرهنگ توده ای است و دارای هنجارهای آرمانی یا هنجارهای مطلوب است و از این فرهنگ به فرهنگ سستی تعبیر می شود .
۳. فرهنگ توده ای به معنای فرهنگی است که به وسیله مردم تولید می شود . مانند ترویج هنجارهای بوجود آمده توسط مردم ، مثل تبلیغ محصولات که مصرف کرده ایم برای دیگران .

مکتب فرانکفورت

از دهه ۱۹۳۰ تا دهه ۱۹۷۰ مبانی فکری مکتب فرانکفورت تحت عنوان فرهنگ عامه صنعت فرهنگ یا فرهنگ توده ای مطرح شد. در واقع یکی از سنت های عمده این مکتب نقد و بررسی فرهنگی بعنوان فرهنگ توده ای بود به همین دلیل است که در بررسی مسائل فرهنگی جهان معاصر، آشنایی با دیدگاه مکتب فرانکفورت حائز اهمیت می باشد. به اعتقاد صاحب نظران این مکتب، علم و عقلانیت در سنت روشنگری و روشنفکری غرب، نه تنها امکان آزادی انسان ها را در جوامع فراهم نمی آورد بلکه به نحو بسیار تناقض آمیزی باعث شد که مجدداً انسان ها به اشکال مختلف در بند کشیده شوند که این موضوع با نگاه روشنگری در تناقض آشکار به نظر می رسد.

« مکتب فرانکفورت می گوید: فرهنگ توده ای با اصل روشنگری در تناقض است، زیرا فرهنگ توده ای انسان ها را دربند می کشد و با اصل آزادی های فردی و اجتماعی روشنگری تناقض دارد.»

روشنگری در غرب وسیله ای شده است برای انتقال فرهنگ توده ای (ابزاری شده که مردم را در فرهنگ توده ای در بند بکشد)

✓ به اعتقاد صاحب نظران مکتب فرانکفورت نظام سرمایه داری مدرن موجب استقرار سلطه تکنولوژی در جوامع مختلف شده و این سلطه شرایط و زمینه هایی را در جامعه بوجود آورده است که افراد به آگاهی و آزادی مطلوب در انتخاب خود نمی رسند.

✓ به نظر پیروان این مکتب نظام سرمایه داری تلاش می کند تا از طریق فرهنگ توده ای یا فرهنگ مدرن کنترل اجتماعی را به صورت گسترده در دست بگیرد یا بوجود بیاورد و باعث جلوگیری از دگرگونی های بنیادی شود. این گروه معتقدند که جوهر نظام سرمایه داری را باید در کنترل اجتماعی جستجو کرد و فرهنگ مدرن یکی از عوامل مهم این کنترل اجتماعی محسوب می شود.

در کنترل اجتماعی بحثی به نام جنگ نرم وجود دارد که این جنگ نرم در واقع همان کنترل اجتماعی است. در روزگاری استعمار کهنه به وسیله سخت افزار (چکمه، تفنگ و کلاه خود) ایجاد سلطه می کرد و در حال حاضر بحثی به نام استعمار نو وجود دارد که ابزار آن نرم افزارهای مختلف می باشد که بر فرهنگ تاثیر می گذارند و به همین دلیل است که تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی بوجود می آید و بدین وسیله فرهنگ توده ای بوجود می آید و انسان ها را به افرادی به جهت، بدون آزادی و قدرت انتخاب تبدیل می کند.

از دیدگاه صاحب نظران مکتب فرانکفورت کل فرهنگ مردمی (فرهنگ مدرن) چیزی جز فرهنگ توده ای نیست و این فرهنگ نیز اساساً فرهنگ تجاری یا تجارت زده است که به صورت انبوه تولید و مصرف در شبکه اجتماعی خود را نشان می دهد و مصرف کنندگان این فرهنگ توده ای هستند که به صورت انفعالی و آگاهی و قدرت تمیز ، مصرف کنندگان بازار کالاهای نظام سرمایه داری می شوند و هیچگونه تشخیص درستی از آنچه که مصرف می کنند ندارند . به عبارت دیگر فرهنگ توده ای از بالا به مصرف کننده تحمیل می شود و نمی توان از آن عناصر خودجوش را پیدا کرد که از درون جامعه و مردم برخاسته باشند .

اگر بخواهیم نگاه صاحب نظران مکتب فرانکفورت را در بررسی مسائل فرهنگی جهان معاصر به طور کلی و اجمالی جمع کنیم می توان به موارد زیر اشاره کرد .

۱. در این نگاه همانطور که اشاره شد کنترل اجتماعی یک اصل است . به شکلی که این کنترل اجتماعی زمینه های آگاهی و آزادی افراد را محدود می کند . حتی برخی از صاحب نظران معتقدند که این نوع کنترل های اجتماعی در نظام سلطه مانع اصلی برای انقلاب های اجتماعی خواهند بود .

۲. فرآورده های فرهنگ مدرن به نوعی در قالب کالاها تعریف می شوند . در واقع کالاهای فرهنگی در این نگاه مجموعه ای از روابط میان اشیاء را بیان می نمایند . به عبارت دیگر کالاهای فرهنگی شکل شعرگونه دارد و به همین دلیل است که لوکاس ، جان فیکس و همچنین مارکس دو نوع ارزش مبادله ای را در رابطه با کالاهای فرهنگی مطرح می نماید .

✓ ارزش مبادله ای و مالی

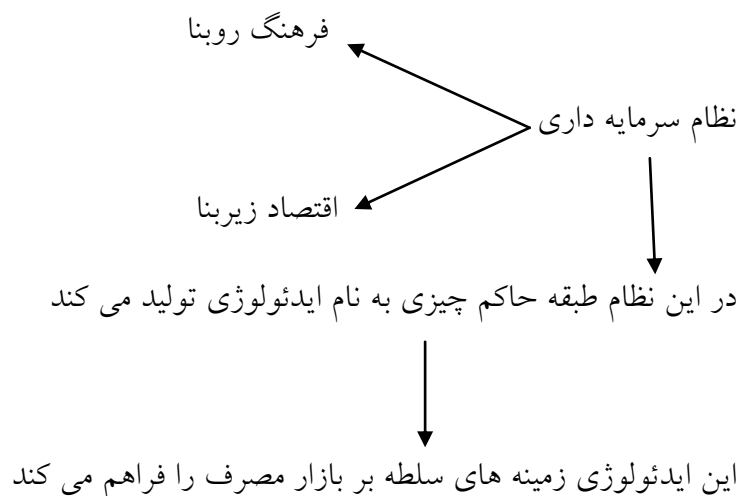
✓ ارزش مبادله ای مصرفی

۳. ویژگی فرهنگ توده ای در این مکتب این است که بر اساس باورهای فرهنگ توده ای دست به استانداردسازی ، کلیشه سازی ، مصرف گرایی بی حد و محافظه کاری می زنیم .

۴. صنعت فرهنگ از طریق فرآورده های خود به توده های جامعه مصرفی هویت مورد نظر خود را می دهد به گونه ای که افراد بر اساس این نوع هویتی که از فرهنگ توده ای گرفته اند کردارهای خود را تعیین و مشخص می کنند .

۵. در این نگاه فرهنگ و فرآورده های فرهنگ مدرن در مجموع عوامل اصلی تضمین تداوم سلطه اقتصادی و سیاسی جامعه سرمایه داری را فراهم می کنند و سرمایه داری مدرن از این طریق می تواند بر بسیاری از تعارضات و بحران های درونی جامعه غلبه نماید .

نگاه مارکسیست ها به فرهنگ و فرهنگ توده ای :



تفاوت مکتب فرانکفورت با هژمونی گرامشی :

در مکتب فرانکفورت بحث ها یک سویه و سلطه گرانه است اما در هژمونی گرامشی بحث ها یک سویه نیست ، ما در جامعه توده ای حق انتخاب داریم و منفعل نیستیم .

نظریه برخورد تمدن های هانگتیتون

در نظریه هانگتیتوت تمدن به ۸ قسمت تقسیم می شود :

اسلامی ، کنفیوس ، هندو ، ژاپنی ، اسلاو ، آمریکای لاتین ، غربی و آفریقایی

هانگتیتون تقسیم بندی خود را بر اساس فرهنگ ها بنیان گذاری کرده است .

پایان تاریخ فوکویاما } جهان پی از جنگ سرد با دو نظریه مواجه شد
برخورد تمدن های هانگتیتون }

امروز جهانیان هرگونه تمایل به اصول اعتقادی را کنار گذاشته اند اما قطع وابستگی آنها با ریشه های تمدنی آنها امکان پذیر نیست .

به اعتقاد هانگیتون تقابل تمدن ها ، سیاست جهانی را شکل می دهد و بزرگترین کشورهای تهدید کننده آمریکا ؛ ایران ، عراق و چین می باشند . به نظر وی در عرصه جدید سیاسی فرهنگ زمینه مقابل های سیاسی است .

دلایل برخورد تمدن ها :

۱. وجود اختلاف میان اعتقادات و تمدن ها
۲. کوچکتر شدن جهان و افزایش کنش و واکنش های میان ملت ها
۳. روند نوسازی اقتصادی و تحول اجتماعی در جهان ————— جامعه از حالت مکانیکی به سمت ارگانیکی می آید ← سبب افزایش خودآگاهی ملت ها می شود .
۴. نقش دوگانه غرب و تقویت رشد آگاهی تمدنی
۵. منطقه گرایی اقتصادی در حال رشد و موفقیت آن

ناتوی فرهنگی

بعد از جنگ جهانی دوم (سال ۱۹۴۵) موضوع جنگ سرد مطرح گردید که پیمانی بود بین کشورهای اروپای شرقی در مقابل تهاجم شوروی سابق

در سال ۱۳۸۵ تهاجم یا شبیخون فرهنگی ار دید مقام معظم رهبری به ناتوی فرهنگی تعبیر گردید . و در این ناتوی فرهنگی تهاجم بر علیه هویت ما شکل می گیرد .

اصول ناتوی فرهنگی :

۱. تأکید بر لذت : (مطهری : فعالیت های انسان دو گونه است ، معنوی و التذاذی که اگر این فعالیت ها با هم آمیخته شود خوب است اما در غرب تأکید بر لذت است)
۲. دنیا گرایی : در آن چیزی به نام آخرت وجود ندارد .
۳. اصل بی اخلاقی گری اجتماعی
۴. اصالت فرد که در آن تحت عنوان فردیت افراطی یاد می شود : (مطهری در کتاب انسان و جامعه می گوید که اصالت فرد است ، اصالت جامعه است یا آمیخته ای از این دو ، در کشورهای کمونیستی افراد فدای جامعه می شوند اما در کشورهای غربی بیش از حد بر آزادی های فردی تأکید می شود .
۵. فمینیسم

۶. سود طلبی یا سوداگری اقتصادی : در نظام سرمایه داری همه چیز در پرتو سود تعریف می شود در این منفعت اقتصادی ، همه جنگ ها ، همه تجاوزات و تمام تلاش ها برای به دست آوردن سود است .

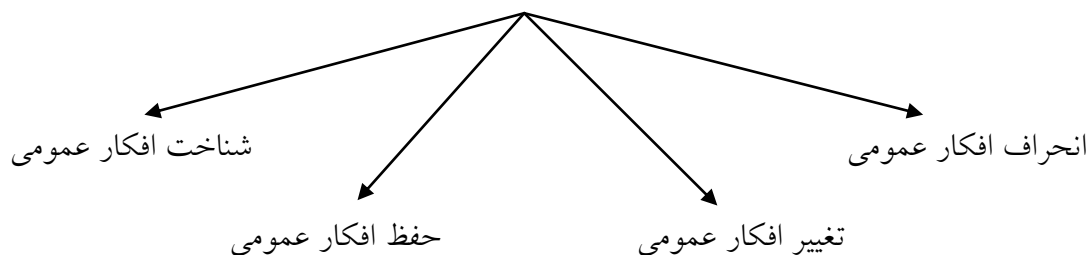
۷. توده گرایی : یکی از اصول ناتوی فرهنگی توده گرایی است . در فرهنگ توده ای تمام تلاش ها برای منفعل شدن جامعه و گرفتن قدرت انتخاب از آن است .

۸. ترویج بی بندوباری : اصل بر این است که تا جایی که امکان دارد بی بندوباری را در جوامع مختلف ترویج نمایند .

مهمترین اهداف فرهنگی (ناتوی فرهنگی) به شرح زیر است .

۱. شکستن ساختارهای فرهنگی جوامع : از بین بردن چارچوب اصول فکری و فرهنگی ، این مسیرهایی که در غالب های دینی و فرهنگی برای ما تعیین می شود ساختار نام دارد (کلانکهن فرهنگ را با نگاه ساختاری معرفی می کند یعنی فرهنگ برای خود مدل و الگو دارد مانند نحوه انجام عزاداری های ما)
۲. ترویج و القاء : موضوعی تحت عنوان ترویج و القاء وجود دارد . آنقدر در فرهنگ توده ای یک چیزی را القاء می کنند که استفاده از آن باب شده و ترویج می گردد . (مثلاً در عالم سیاست عدم استفاده از انرژی نامشروع هسته ای)
۳. ایجاد اختلاف و شکاف در جوامع اسلامی : گفتن شیعه ، سنی ، مالکی ، شافعی و ... موجب بروز اختلاف می شود و همواره تلاش می کنند که در جوامع اسلامی به اشکال مختلف فرقه سازی و ایجاد مشکل نمایند .
۴. ایجاد گسست و اختلاف بین دولت و ملت : این موضوع به اشکال مختلف توسط ناتوی فرهنگی ایجاد می شود .
۵. هدایت افکار عمومی : در ناتوی فرهنگی تلاش می شود که افکار عمومی هدایت شود .

بحثی وجود دارد تحت عنوان مدیریت افکار عمومی



ابزارهای ناتوی فرهنگی : (وزارتخانه ها و سفارتخانه های خارجی)

۱. **وزارتخانه ها :** اگر وزارتخانه ها ابزار نبودند چرا سفارت آمریکا در اول انقلاب بسته شد ؟ چرا سفارت انگلیش در سال گذشته بسته شد ؟ زیرا تشخیص داده شد از این سفارتخانه ها بعنوان ابزار جهت مدیریت افکار عمومی استفاده می شود .
۲. **رادیوهای بیگانه و شبکه های خبری :** رسانه هایی که در اختیار آنها است امروزه از طریق ماهواره ، رادیوهای بیگانه ، نشریات زرد در جهت ناتوی فرهنگی استفاده می شود که ما برای مقابله با آنها باید درخصوص این مسائل بحث و بررسی نموده و راهکارهای مناسب پیدا کنیم .
۳. **دانشگاه ها ، روشنفکران و مخالفان :** بحث خدمت و خیانت در کتاب جلال آل احمد ، امروزه در قبال روشنفکری و مخالفین در خارج از کشور بحثی به نام اپوزیسیون مطرح می گردد (مثال : مجاهدین خلق) دانشگاه های ما در زمانی بسیار ملتهب بود ، دانشجویها در حد خیلی کمی دنبال علم بودند و بیشتر به دنبال دعوای سیاسی بودند .
۴. **سینما ، کتاب و ... :** از ابزاری به نام هالیوود و سینما در جهت اهداف ناتوی فرهنگی بعنوان یک ابزار استفاده می گردد .

ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی ایران

اگر بحث فرهنگ دینی را در جهان معاصر مطرح کنیم و بر این اعتقاد باشیم که این فرهنگ دینی امروز در جهان معاصر زمینه های بیداری اسلامی را درجهان فراهم کرده است ، به این معنا می باشد که تاثیرات فرهنگ انقلاب اسلامی بر روابط بین الملل موثر بوده است . لذا همانطور که حضرت امام می فرمایند مبدأ و منشأ خوشبختی و بدبختی های جوامع فرهنگ است . با نگاه جامعه نگر و مدل ترسیم شده ، نحوه شکل گیری فرهنگ دینی را در نظام جمهوری اسلامی تبیین می نمائیم .

انقلاب اسلامی فرهنگ دینی را القاء می کند

فرهنگ دینی چطور تولید می شود :

رفتارها ← باورها و ارزش ها ← جهان بینی ← کنش ← منش ← بینش

فرهنگ سه لایه دارد : جهان بینی ، باورها و ارزش ها ، رفتارها

همه دارای جهان بینی هستند ————— برداشتی از هستی جهان بینی از کجا گرفته شده —————
الهی ————— از خدا ————— اینجا بحث وجی گفته می شود و بحث عقل

حال این تاثیرگذاری را با توجه به مؤلفه های ذیل بر می شماریم :

۱. ترویج فرهنگ مردم سالاری دینی که با مؤلفه های زیر قابل اثبات ، بررسی و تحلیل می باشد .

✓ سازگاری اسلام و دموکراسی : در جوامع غربی می گویند نظام غربی نظام دموکراسی است (حکومت مردم بر مردم) : نظام اسلامی با دموکراسی سر ناسازگاری ندارد بلکه دموکراسی را تأیید می کند (به رأی گذاشتن جمهوری اسلامی در اول انقلاب)

✓ برقراری ارتباط بین دین و سیاست : (مطهری : سیاست ما عین دیانت ماست) در سکولار دین را به خانه می برند اما در نظام جمهوری اسلامی دین وارد عرصه اجتماع شد . حکومت اسلامی با محوریت خدا محوری ، عدالت محوری ، معنویت گرایی و نفی سکولاریسم ، نظامی را بوجود آورد که مشروعیت آن نظام بر پایه حاکمیت خدا و حقانیت ارزش های ناب اسلامی شکل می گیرد و با شکل گیری این نظام می توان فرهنگ مردم سالاری را در منطقه و جهان تسری داد .

۲. ترویج فرهنگ استقلال خواهی و استکبار ستیزی : امروز نظام بین المللی خارج از سلطه استکبار جهانی شاهد جهان چند قطبی است و نظام جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی سیاست نه شرقی نه غربی را در مبارزه با استکبار ستیزی و استقلال فرهنگی مطرح کرده است ، در این نگاه آگاهی دادن به افراد ، گروه ها و جوامع به عنوان یک اصل مسلم مطرح می شود و این نگاه زمینه استقلال طلبی نهضت های مختلف را در جهان فراهم کرده است . در واقع ما با شعار استقلال آزادی جمهوری اسلامی ، این مبارزه گسترده را در جهت استکبار ستیزی آغاز کرده ایم .

۳. تقویت فرهنگ اصلاح طلبی در جنبش های جدید اجتماعی : درواقع نوع روشنفکری دینی در نظام جمهوری اسلامی شکل گرفته است که این نواندیشی زمینه خیزش ، حرکت ، نوسازی و بازسازی تفکر سنتی را در جوامع اسلامی فراهم آورده است .

۴. تقویت مبانی فکری ، فرهنگی و اندیشه ای : منظور این است که ما همواره در حوزه ها و دانشگاه ها باید تلاش کنیم تا از طریق تحقیق ها و پژوهش های گسترده همواره تولید علم و اندیشه نمائیم . درواقع وقتی که وارد عرصه نظریه پردازی در حوزه فرهنگ می شویم باید تئوری و نظریه ای را که بیان می کنیم ، بتواند برای افراد ابعاد معرفت شناسی را نسبت به خود شخص و جهان هستی و غایت شناسی فراهم نماید . بدون تردید تفهیم تئوری در این زمینه بدون مبانی اندیشی و فکری ممکن نیستند .
فرهاد حیدری